

گزارش

گزارش تکمیلی «ایران» از همایش همدلی ادیان توحیدی

ضیافتی برای گفت‌وگوی ادیان

مهسا رضایی



عکس: امیر وحیدی ایران

تقارن دو میلاد مسعود نبی اکرم مسلمین، حضرت محمد(ص) با حضرت مسیح(ع) فرصتی شد تا ۱۴ بهمن ماه، سالن همایش‌های کتابخانه ملی ایران، صحنه‌ای برای به نمایش گذاشتن وحدت و همدلی میان اقوام و اقلیت‌های دینی شود و با وجود تنوع و کثرت بسیار، همه را در محفلی دوستانه گرد هم آورد. آنچه بیش از همه در این نشست جلوه‌گری می‌کرد، تأکید مکرر بر مشترکات ملی با پیش کلیپ‌ها و سرودهایی بود که پیوسته ضرورت این وحدت را گوشزد می‌کرد و ابعادی از این همدلی را به تصویر می‌کشید. ایران همواره در طول تاریخ مهد تنوع و کثرت شناخته شده است و ایرانیان از دوره باستان تا به امروز این همزیستی را تمرین کرده‌اند و هیچگاه این تنوع عاملی برای گسست در جامعه ایرانی نبوده است. این ضیافت هم که برای گفت‌وگوی میان ادیان برپا شده بود نشانی از همدلی ادیان توحیدی در پهنه ایران اسلامی داشت.

در ابتدای این نشست نخست از ۱۳ سوره حجرات: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شِعُوبًا وَقَبَائِلَ لَتَعْرِفُوا إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ كِتَابًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» تلاوت شد تا تأکید قرآن کریم بر «اصل تنوع» را متذکر شوند. این در حالی است که در ادامه از طرف جامعه مسیحی کشور نیز باب ۱۰ تا ۲۴ کتاب رومیان از عهد جدید تلاوت شد که اتفاقاً آزادی، صلح، همدلی، محبت و معنویت از محورهای اصلی مورد تأکید در این آیات بود.

سید رضا صالحی امیری، رئیس کتابخانه ملی ایران که در کنار دستیار ویژه ریاست جمهوری در امور اقوام و اقلیت‌های دینی، میزبانی این همایش را بر عهده داشت، نخست برای خوشامدگویی پشت تریبون حاضر شد. او که بیش از ۱۰ سال در رابطه با اقوام و اقلیت‌های دینی در ایران مطالعه داشته است و کتاب‌هایی همچون «مدیریت منازعات قومی در ایران» و «انسجام ملی و تنوع فرهنگی» را در کارنامه خود دارد، در سخنرانی خود بیش از هر چیز بر ضرورت انسجام ارگانیکی (پذیرش اصل تنوع و تکرر در عین وحدت) برای بقای جامعه ایرانی تأکید کرد و میزان اعتماد اجتماعی اقوام و اقلیت‌های دینی نسبت به نظام و دولت، سطح مشارکت سیاسی و اجتماعی آنها و همچنین میزان سازگاری اجتماعی‌شان را از اهم مباحث این نشست نام برد. او معتقد است مادامی می‌توان از انسجام در جامعه ایرانی حرف زد که حضور این سه مؤلفه در آن جامعه شاهد باشیم.

پس از صالحی امیری، **اسقف اعظم رمزی گروم**، رهبر اعظم کلیسای آشوری کلدانی به سخنرانی پرداخت. وی تقارن تولد عیسی بن مریم(ع) با تولد نبی اکرم مسلمانان محمد مصطفی(ص) را نشانه‌ای برای پیروان این دو دین توحیدی تلقی کرد تا به شناختی عمیق‌تر از یکدیگر مبادرت ورزند و از اصول مشترک میان پیام این دو دین بهره ببرند.

وی همچنین تأکید کرد امروز دین در برخی مناطق به ابزاری برای سیاستمداران بدل شده که این امر خود پدیده‌ای منفی است. از این رو معتقد است که تقارن این دو میلاد باید فرصتی برای پاک نگه داشتن ساحت دین از آلودگی‌ها باشد.

موبد پدram سروش پور، عضو انجمن موبدان زرتشتی ایران نیز از سوی جامعه زرتشتی کشور به ایراد سخنرانی پرداخت. او ضمن تأیید سخنرانی‌های پیشین از بروز جنایت‌هایی که امروز به نام دین در سطح جهان رخ می‌دهد ابراز تکراری کرد و معتقد است تمام پیامبران، حقیقت الهی را به همراه داشته‌اند و این ما هستیم که در گذر زمان از این حقیقت فاصله گرفته‌ایم. از این رو به زعم او، هم‌اندیشی و گفت‌وگوی ادیان می‌تواند آنها را به این حقیقت نزدیک کند. سروش پور همچنین ضمن تأکید بر یکتاپرستی به دو اصل کلی و ثابت دیگر در همه ادیان اشاره کرد و این دو اصل را «خردگرایی» و «انسانی‌جویی» برشمرد و در این رابطه گفت: این دو مؤلفه باعث شکل‌گیری نوآندیشی و پیشرفت در جوامع است.

در ادامه، **خاکام یونس حمایي لاله‌زار**، نماینده جامعه کلیبیان تهران نیز بر ضرورت انسجام و وحدت میان ادیان تأکید نهاد و «وحدت میان ادیان» را قول خواندند دانست که سرانجام انسان‌ها را به آن وعده داده است. از این رو، وی نیز شناخت ادیان از یکدیگر برای رسیدن به وحدت را ضروری دانست و لازمه این امر را گفت‌وگوی میان دینی برشمرد و گفت: از راه جنگ و اختلاف، شناختی حاصل نمی‌شود.

در ادامه **رهبر مذهبی صائینین مندایی، گنژورا نجاج محییلی** در رابطه با دین صائینین مندایی توضیحاتی ارائه کرد و همچون دیگر سخنرانان بر ضرورت وحدت میان ادیان در یکم تأکید نهاد. پس از وی مهندس عبدالسلام بزرگ‌زاده نیز متنی مطوم را به زبان بلوچی ارائه کرد.

این نشست در حالی به پایان رسید که **حجت‌الاسلام علی یونسسی** که برگزاری این همایش را عهده‌دار شده بود با استناد به سخن بیانگذار جمهوری اسلامی: «ایران مال همه است. توحید مذهب همه است و ما امت واحد هستیم» هدف از برگزاری این نشست را ضرورت برابری همه اقوام و اقلیت‌ها در جامعه عنوان کرد.



منتخبی از آنچه انگلیسی‌زبان‌ها در سال ۲۰۱۵ خواندند

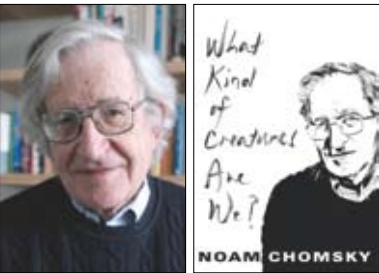
ذهن‌های خلاق چه نوشتند

علیرضا شیرازی‌نژاد

بسختی می‌توان ادعا کرد که در سال گذشته میلادی، بهترین کتاب‌های حوزه اندیشه کدام بوده‌اند. مثل این است که بگوییم پاک‌ترین آب از میان رودها و دریاها و اقیانوس‌ها در کدام نقطه زمین واقع شده است! کتاب‌های اندیشه‌ای مخاطبان خاص دارند. یک نفر چاپ کتابی درباره «هستی‌شناسانه فیزیک کوانتومی» را انتظار می‌کشد و دیگری «نظریه‌های آموزش فلسفه برای کودکان» را مهم می‌داند. خلاصه در عرصه‌ای ورود کرده‌ایم که به قول باطاهر متعاش بی‌مشتری نیست و همه مدعی هستند! اما در سال ۲۰۱۵ کتاب‌هایی چاپ شدند که هم از سوی اهالی کتابخوان رسانه‌های خارجی مورد توصیه واقع شدند هم در فروش خوش اقبال بوده‌اند. در این نوشتار،

ما چگونه موجوداتی هستیم

What Kind of Creatures Are We ?



این روزها همه دنبال سیاستند، همان‌طور که سیاست به دنبال ما است اما دو هفته به پایان سال میلادی مانده بود که اندیشمندان صاحب‌نام و فیلسوف معروف زمانه ما، نوام چامسکی از آخرین کتاب اندیشه سیاسی خود با عنوان «ما چگونه موجوداتی هستیم؟» برده برداشت. البته او در این کتاب اسراری را هویدا نکرده است بلکه به چیستی «زبان» که ابزار اصلی کار سیاست نیز هست، می‌پردازد. بنابراین بر واضح است که اهالی اندیشه هنگام مواجهه با کتاب تازه انتشار یافته یکی از پایه‌گذاران علوم‌شناختی، زبان‌شناسی مدرن و یکی از نظریه‌پردازان مطرح سیاسی جهان، نمی‌توانند جسای آن را در کتابخانه خود خالی بگذارند. «ورام نوام چامسکی» ۸۷ ساله با زبانی سلیس، واضح و دقیق، شرح و بسط «۵۰ سال کار علمی در مطالعه زبان را در این کتاب روایت می‌کند. بر همین اساس اگر می‌خواهید بدانید که چه رابطه‌ای میان زبان و اندیشه وجود دارد، مبانی بیولوژیکی زبان چیست و در نقد نظریه‌های مطرح اجتماعی و ارتباطی زبان چه می‌توان گفت، خواندن این کتاب را از دست ندهید. نتایج علمی چامسکی در این اثر که توسط انتشارات «دانشگاه گلمیلیا امریکا» به چاپ رسیده است، ما را در شناسایی «محدودیت‌های ظرفیت علوم‌شناختی» در انسان و پاسخ به این سؤال که «ذهن» انسان واقعا چه مسأله‌ای را می‌تواند در «تاریخ علم»، «تفکرات فلسفی» و «فهم جاری» مورد بررسی قرار دهد، یاری می‌رساند. پیوند «ذهن» و «زبان» با «سیاست» و «جامع» کاری است که امروز از دست چامسکی بر می‌آید و او در دفتر مکتوب تازه چاپ شده‌اش به طور تمام قد از «سوسیالیسم آزاد» پشتیبانی می‌کند؛ مفهومی است که ریشه‌هایش در اندیشه‌های جان دیویی (فیلسوف و روانشناس آمریکایی) وجود دارد و تا حدی هم با آرای مارکس و استوارت میل در ارتباط است. نشریه «پیچر» در شماره پایانی سال ۲۰۱۵ خود نیز به معرفی این کتاب که در حوزه «علوم شناختی»، «زبان» و «فلسفه سیاسی» به انتشار رسیده است، پرداخت.

پس شما هم در انتظار عمومی شرمنده شده‌اید!

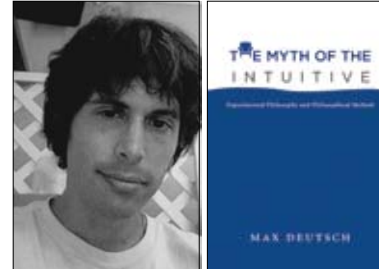
So You've Been Publicly Shamed



«پس شما هم در انتظار عمومی شرمنده شده‌اید!» نهمین کتاب «جان رانسن» (Jon Ronson) روزنامه‌نگار پُرکار و خستگی‌ناپذیر اهل ولز بریتانیا است که کتاب‌های پرفروشی در کارنامه نویسنده‌ی خود دارد. او که از روزنامه‌نگاران سرشناس سبک گوزنو (سبکی که در آن محتوا و اطلاعات خبری بدون جانبداری و اغراض خاص منتشر می‌شوند) این بار عزم خود را جزم کرده و با سفر به دور دنیا گفت‌وگوهایی را تدارک دیده است که مصاحبه شوندگانش با شرمساری در مقابل عموم لب به اعتراف درباره اعمال غیراخلاقی خویش گشوده‌اند. تحلیل‌های جذاب «رانسن» در این کتاب سبب شده است تا کتابش براساس رای ۱۲۲۹۸ نفر در نظرسنجی پایگاه اینترنتی goodreads نمره ۴.۷ از ۵ را کسب کند و در فهرست پر فروش‌ترین‌های سال فروشگاه اینترنتی «آمازون» نیز قرار بگیرد. به طور کلی تأمل در باب مسائل اجتماعی-اخلاقی حوزه تکنولوژی از مقوله‌های مورد علاقه «رانسن» است و او در این کتاب به بررسی تأثیر عصر اطلاعات بر «کوچک‌شماری‌های عمومی» افراد می‌پردازد. آنچه به زعم وی اهمیت دارد نوع موضعی است که انسان مدرن در برخورد با «اعتراف‌کنندگان» برمی‌گزیند. راحت‌تر بگوییم، ما وقتی کسی اعتراف می‌کند (مثلاً فلان لطیفه را در بین دوستان درباره ما گفته است، یا استاد دانشگاهی از سرعت علمی خود پرده برمی‌دارد) چنان خشمگینانه و خشن و به دور از اخلاق با وی رفتار می‌کنیم که گویی اشک «شرم» وی در مقابل ما بی‌ارزش و ناچیز است! مناسبات ما در عصر اینترنت (بخصوص در شبکه‌های اجتماعی نظیر توییتر) در قبال شرمندگی افراد نه تنها مرتفع‌تر نشده‌اند بلکه گاهی از دوران ماقبل تجدد هم وقیحانه‌تر هستند. آنچه «رانسن» در این کتاب نتیجه گرفته است، بیانگر استفاده ابزاری از «شرم» در جامعه مدرن برای کنترل افراد است. از این رو اثری قابل تأمل در حوزه «فلسفه اخلاق» است که در بی‌شک می‌تواند برای علاقه‌مندان به مباحث روانشناسی مدرن نیز مفید واقع شود.

اسطوره شهود

The Myth of the Intuitive



کتاب «اسطوره شهود» نوشته «متکس امیل دویج» - Max Emil Deutsch - مرغی‌کننده پاره‌ای از نیازهای درونی علم‌دوستان است. می‌دانیم که در فلسفه معاصر سوال فیلسوفان تحلیلی و فیلسوفان تجربی در رأس مسائل قرار گرفته است. «فلسفه تحلیلی»

بر پایه منطق شهودی و متدولوژی مبتنی بر ریاضیات استوار است، در حالی که «فلسفه تجربی» به آمار و نظرسنجی و درک مردم تکیه دارد. تجربی‌ها ادعا دارند که «درک شهودی» فلاسفه بر حسب نژاد و موقعیت جغرافیایی و شرایط زندگی، متغیر است و رویکرد فیلسوفان فلسفه تحلیلی رو به فنا است. اما در این کتاب، «دویج» که ریاست گروه فلسفه دانشگاه هنگ‌کنگ را به عهده دارد، با نقد منابع منتقدان فلسفه تجربی، دفاعی تمام قد از فلسفه تحلیلی ارائه کرده است و نشان می‌دهد که این دسته از فلاسفه نسبت به فیلسوفان تجربی بسیار کمتر در آرای خود تجدیدنظر می‌کنند. وی با طرح بحث در موضوعاتی نظیر در روش افلاطونی (باور راستین توجیه‌پذیر - Justified True Belief) توسط ادموند گیت (فیلسوف آمریکایی)، اظهارات سول کریپکی (فیلسوف آمریکایی) درباره گودل، و مسائل و ادعاهای متافلسفه‌ای، فیلسوفان تجربی را به چالش می‌کشد و عنوان می‌کند که آنها به جای «شهود» بر «استنتاج» تکیه می‌کنند. این کتاب که توسط انتشارات دانشگاه MIT به چاپ رسیده است، در زمره آثار ارزشمندی قرار می‌گیرد که به نظر می‌رسد در جهت‌دهی فکری فیلسوفان معاصر مؤثر خواهند افتاد.

بازسازی واقعیت: مدل‌ها، ریاضیات و شبیه‌سازی

Reconstruction Reality: Models, Mathematics, and Simulations

این هم یک مثال نقض (شاید هم پاسخی نغز) در رد خرافه‌اندیشی عزیزانی که ادعا می‌کنند، خانم‌ها میانه خوبی با فلسفه ندارند. در این کتاب که توسط دانشگاه آکسفورد به چاپ رسیده است، دکتر مارگارت مورسیون (Margaret Morrison) به سوالاتی در باب شأن روش‌شناسی و ماهیت «مدلسازی» و «شبیه‌سازی»، مسائل معرفت‌شناختی آنها، و کارایی‌شان در علوم پاسخ می‌دهد.

این استاد گروه فلسفه دانشگاه تورنتو که در زمینه فلسفه علم، تاریخ فیزیک، کانت و دکارت مطالعات گسترده‌ای دارد، معتقد است که در فرآیند استدلال بایستی از «قانون» به «مدل» و سپس به «واقعیت» رسید. کتاب وی پنجره‌ای در حوزه فلسفه علم به سوی علاقه‌مندان گشوده است که بیانگر چگونگی کاربرد شبیه‌سازی رایانه‌ای به عنوان روشی برای اندازه‌گیری‌های تجربی است، و از این طریق سطح درک ما را از فیزیک جهان ارتقا می‌بخشد.

در نوشتار مورسیون وقتی می‌خواهیم چگونه صورت‌گرایی ریاضیات بر داده‌های فیزیکی تکیه می‌کند، با نقش مدل‌های ذهنی در علوم چیست و می‌بینیم که وی چگونه با رد نظریه‌ها و مباحث سنتی پیرامون وجه تمایز میان «تجربه» و «شبیه‌سازی»، ما را به بازنگری نسبت به رابطه میان مدل‌ها و واقعیت فرا می‌خواند، باید اعتراف کنیم که با یک پدیده «آوانتارد» در اندیشه علم و فناوری مواجه شده‌ایم؛ همان‌طور که «پس ون فراسن» (فیلسوف پروازنده دانشگاه ایالتی سان فرانسیسکو) از آن به عنوان یک منبع اصلی در فلسفه علم یاد می‌کند.

خواننده تمام‌عیار: فلسفه مدرن در ۱۳۳ گفتار فلسفی

The Stone Reader: Modern Philosophy in 133 Arguments

سال ۲۰۱۰ بود که «پیتر کاتاپانو» - Peter Catapano - (از دبیران ارشد گروه اندیشه روزنامه نیویورک تایمز) به همراه «سایمون کریچلی» - Simon Critchley - (فیلسوف انگلیسی و از صاحب‌نظران فلسفه قاره‌ای) ستون «تمام عیار» - The Stone - را بر پایگاه اینترنتی روزنامه نیویورک تایمز قرار دادند.

آمار نشان می‌داد که میلیون‌ها نفر جذب مقاله‌های ویژه و بحث‌های نوینی می‌شدند که حدیث زندگی متجدد را به زیبایی روایت می‌کردند. مسائلی که همه ما دوست داریم درباره‌شان بحث‌کنیم، مثلاً آیا استفاده از هواپیمای بدون سرنشین واقعی است؟ مری اخلاقی است؟ در جهانی که به نظر می‌رسد تحت کنترل علم و تکنیک قرار دارد، آیا جایگاهی برای علوم‌انسانی باقی مانده است؟ خطرات اخلاق نسبی‌گرا چیست؟

حاصل آن سلسله ستون‌ها، در سال ۲۰۱۵ کتابی به نام «خواننده تمام‌عیار» شد. پیوند مسائل فلسفی عالم تجدد با ماهیت علم، اخلاق و آگاهی سبب شده است تا کتاب تازه انتشار یافته انتشارات «لیبراریت» در فهرست کتاب‌های پر فروش آمازون قرار بگیرد. «خواننده تمام عیار» به ما نشان می‌دهد که نه تنها نمی‌توان مرزی را برای علم و فلسفه تصور کرد، بلکه به قول ناشر «فلسفه برای همه است.»

نقد و نظر

ویژگی‌های تاریخ‌نگاری «هایدن وایت»

تاریخ‌نگاری با چاشنی ادبی

چرا هیچ مورخی نمی‌تواند «بیطرفانه» تاریخ بنویسد؟

آرزو عباسی



«هایدن وایت» از متفکران و نظریه‌پردازان معاصر است که دیدگاه‌های قابل تأملی در رابطه با ارتباط «تاریخ»، «زبان مورخ» و «واقعیت تاریخی» دارد. به زعم او، یک مورخ هیچگاه نمی‌تواند از محیط خود شناختی بی‌واسطه داشته باشد و خواه ناخواه از فضای گفتگمانی که در آن قرار دارد، متأثر می‌شود. وایت برای تاریخ‌نگاری نه تنها حوزه «مطالعات تاریخ» بلکه حوزه «مطالعات ادبی» و «مطالعات فرهنگی» را نیز محل قرار می‌دهد و این رویکرد، وجه تمییز او از دیگر تاریخ‌نگاران است. دیدگاه‌های او درباره «متن‌بودگی تاریخ» را می‌توان نوعی روایت داستانی رمان‌گونه تعبیر کرد که نظریه‌های او را فراتر از رشته تاریخ، به نظریه‌های پسا‌مدرنیستی ادبیات نیز پیوند می‌زند. نظریه «فرا تاریخ» او که به نوعی رویکردی میان رشته‌ای بین «تاریخ» و «نقد ادبی» دارد، گواهی بر این مدعاست. چندی پیش، ۷ دی ماه، نشست «بررسی آثار هایدن وایت» به همت گروه تاریخ و همکاری‌های میان‌رشته‌ای پژوهشکده تاریخ اجتماع ملت بررسی آرای این اندیشمند برگزار شد که در این هم‌اندیشی دکتر سیدهاشم آقاچری، دکتر حسین پاینده و دکتر حسینی نوزدی درباره دیدگاه‌های این اندیشمند و شیوه تاریخ‌نگاری او سخنرانی کردند.

حقایق تاریخی «برساخته» مورخان است

دکتر حسین پاینده، استاد‌نقدادی دانشگاه علامه طباطبائی، هایدن وایت را صاحب تفکری التقاطی دانست و ایشور فکری او را به متفکرانی چون ویکتو، هگل، فوکو و درینا نسبت داد. به عقیده او، دستاورد اصلی هایدن وایت درآمیختن تاریخ‌نگاری با نظریه ادبی به منظور فراهم آوردن زمینه جامعی برای ادراک روایی جنبه‌های تاریخی، اجتماعی و فرهنگی جهان پیرامون‌مان است. به زعم پاینده، اگر بخوایم تجربه‌ای از آرای وایت در باب تاریخ و تاریخ‌نگاری به دست

دهیم، باید سه رکن اساسی در اندیشه او را مدنظر داشته باشیم:

۱. «واقعیت» را می‌توان نوعی «متن» محسوب کرد. از این رو، همان راهبردهایی که برای «تفسیر متون» به کار می‌بریم در «فهم واقعیت» نیز کاربردپذیرند.

۲. «واقعیت» همواره ماهیتی «برساخته» دارد. اگر گفت‌مان را چارچوبی برای فهم و تفسیر جهان پیرامون بدانیم، آنگاه باید گفت هر آنچه واقعیت پنداشته می‌شود صرفاً تفسیری گفتگمانی است که ذهن سوژه به ابژه الصاق می‌کند.

۳. «معرفت تاریخی» ماهیتی گفتگمانی دارد. اگر معرفت از ذهن سوژه حاصل می‌آید و هیچ ذهنی عاری از شالوده‌های گفتگمانی نیست، بنابراین هر معرفتی به تاریخ گذشته، قطعاً واجد سبوه‌های گفتگمانی خواهد بود. تاریخ گذشته، نه در خلأ بلکه در چارچوب‌های ذهنی تاریخ‌نگاران نوشته می‌شود و به همین سبب معرفتی که تاریخ‌نگاران از گذشته به دست می‌دهند، با گفتگمانی که آگاهانه یا اغلب ناخودآگاهانه تحت سلطه‌اش هستند، درمی‌آمیزد. از اینجا می‌توان نتیجه گرفت که هیچ مورخی نمی‌تواند «بیطرفانه» تاریخ بنویسد. از این رو، پاینده نتیجه می‌گیرد که به زعم وایت، تاریخ‌نگاران به حقایق تاریخی دسترسی ندارند و هیچ مقدار پژوهش تاریخ‌نگارانه نمی‌تواند چنین دسترسی‌ای را به طور مستقیم یا کامل امکان‌پذیر کند، بلکه این حقایق توسط آنان «برساخته» می‌شود. به اعتقاد او، «حقیقت تاریخی عبارت است از وقایعی که تاریخ‌نگار به شکلی روانی توصیف می‌کند و لذا همیشه ماهیتی کاملاً زبانی دارد.»

مفهوم «تخیل تاریخی» در شیوه تاریخ‌نگاری هایدن وایت

دکتر حسینی نوزدی، پژوهشگر تاریخ و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی به نقش و جایگاه انکارناپذیر هایدن وایت در منازعات تاریخی و سپه‌ام او در بسط گفتگمان تاریخی اشاره کرد. او بر خلاف نظر منتقدانی که مفهوم «تخیل تاریخی» را ابداع هایدن وایت می‌دانند، معتقد است او از مفهومی که در دهه ۱۹۳۰ سی‌ریایت میلز، جامعه‌شناس انتقادی، تحت عنوان «تخیل جامعه‌شناسی» مطرح می‌کند، گرتنه‌برداری کرده است. وایت همان تعاریف، کارکردها و کاربزه‌هایی را برای «تخیل تاریخی» عنوان می‌کند که میلز برای «تخیل جامعه‌شناسی» برمی‌شمارد.

به زعم او، مفهوم «تخیل تاریخی» عبارت است از آگاهی صریح و روشن از مناسبات بین تجربه شخصی و تاریخ، یا کاربرد اندیشه تخیلی در جریان پرسش و پاسخ به مسائل تاریخی. مورخی که از تعبیر یا مقوله «تخیل تاریخی» استفاده می‌کند خود را دور از مسیرهای معمول زندگی روزمره احساس می‌کند. در واقع تخیل تاریخی همانند تخیل جامعه‌شناسی مبتنی قابلیت‌های معینی است که به مورخ امکان می‌دهد در همان حال که در بطن وقایع و مناسبات زندگی روزمره قرار دارد، برای تبیین آنها خود را از وقایعی جدا کند که موضوع تحلیل او است. اینجا تهمانده‌ای از پوزیتیویسم مشاهده می‌شود. از نظر وایت مورخ جایی بیرون از وقایع تاریخی قرار می‌گیرد تا مبادا جهت‌گیری‌ها، هنجارها، قضاوت‌ها و ارزش‌های او در تحلیل و تبیین آنها تأثیر بگذارد.

مورخی که رابطه «عقل» و «تخیل» را در تاریخ‌نگاری از بین می‌برد

دکتر سیدهاشم آقاچری، استاد تاریخ دانشگاه تربیت مدرس، معتقد است هایدن وایت همواره به تاریخ فکر علاقه‌مند است و رد پای این تعلق خاطر را می‌توان تا نخستین آثار او دنبال کرد و در این راستا، کتاب «فرا تاریخ» او را «تاریخ آگاهی تاریخی» معرفی کرد. به زعم او، مسأله هایدن وایت مسأله «انتخاب آگاهی و آگاهی انتخاب» است. او در «فرا تاریخ» از تقابل‌ها می‌گریزد و به تداوم می‌اندیشد. او برخلاف پوزیتیویست‌ها که بین عینیت و ذهنیت، جهان و کلمه، واقعیت و ایده تقابل می‌گذارند، برای صورت‌بندی ایده تداوم، روابط جزء و کل را تابع روابط تقابلی می‌کند. وایت به این علت صنایع ادبی را در کار تاریخ‌نگار دخیل می‌داند که بتواند رابطه «عقل» و «تخیل» را از بین ببرد؛ رابطه‌ای که در سنت رمانتیسم آلمان و ایده‌الیسم قرن نوزدهمی و پوزیتیویسم عصر روشنگری مقابل هم قرار داشتند.